



سینما و تلویزیون مصایب سینمای غیراستاندارد

شکست پی‌در پی فیلم‌های کمدی در گیشه از پایان راه این نوع فیلم‌ها خبر می‌دهد.

شکست پی‌در پی فیلم‌های کمدی در گیشه از پایان راه این نوع فیلم‌ها خبر می‌دهد. هرچند جریان تولید بی‌توجه به آنچه در اکران رخ می‌دهد، همچنان ساخت فیلم‌های کمدی را در دستور کار دارد ولی با تداوم این شرایط، شاغلان سینمای بدنه نیز ناگزیر به آزمودن ژانرهای دیگری خواهند شد. مشکل اینجاست که حالا همه می‌دانند کمدی دیگر نمی‌فروشد ولی هیچ ژانر دیگری جایگزین نشده تا فیلمسازان در آن مسیر حرکت کنند. پرفروش‌ترین فیلم روی پرده #171؛ ملک سلیمان؛ است که خارج از حیطه و توانایی‌های بخش خصوصی ساخته شده و حتی اگر فروش میلیاردی‌اش 2 برابر نیز شود، کسی به فکر ساختن آثاری از این جنس نخواهد افتاد. تازه همین ملک سلیمان هم برای بازگرداندن سرمایه‌ای که صرف تولیدش شده، نیاز به فروش 10 میلیاردی دارد که دستیابی به آن در بازارهای داخلی بعید به نظر می‌رسد. در این میان البته فیلم دیگری هم هست که فروش قابل قبولی در گیشه دارد و اتفاقاً کمدی هم هست.

#171؛ سن پترزبورگ؛ چندبرابر کمدی‌های دیگر روی پرده در گیشه فروخته است. فروش این فیلم در حالی از مرز نیم میلیارد تومان گذر کرده که مثلاً کمدی #171؛ دردسر بزرگ؛ تاکنون 150 میلیون تومان فروش داشته‌است. سن پترزبورگ البته فیلم فوق‌العاده‌ای نیست؛ در نیمه دومش دچار افت فاحشی می‌شود و در 20 دقیقه پایانی بسیاری از رشته‌هایش را پنبه می‌کند ولی همین فیلم هم که در کارنامه سازنده‌اش اثر برجسته‌ای به‌شمار نمی‌آید، چند سروگردن بالاتر از کمدی‌های متداول و مرسوم سینمای ایران است.

این فیلم را کسی ساخته که لاف‌درک درستی از ژانر کمدی داشته و توانسته لحظات مفرحی را رقم بزند و به جای لودگی و فصل‌های موزیکال بی‌ربط، شوخی‌های ظریف و فکرشده‌ای انجام دهد اما بعید است که این مسیر رهرویی داشته باشد. به این دلیل ساده که سن پترزبورگ یک کمدی استاندارد و حرفه‌ای است.

زیر استاندارد بودن، ویژگی مشترک اغلب کمدی‌های سینمای ایران است. این مسیری است که با دست کم گرفتن تماشاگر آغاز شده و به نادیده گرفتن تمام اصول بدیهی سینما ختم می‌شود. می‌گویید نه، بروید #171؛ بعد از ظهر سگی سگی #171؛، هر چی خدا بخواد #171؛، دردسر بزرگ #171؛، و ... را تماشا کنید تا ببینید سازندگان‌شان تا چه اندازه در رعایت الفبای ژانر کمدی ناتوان و ناموفق‌اند. به نظر می‌رسد که سینمای بدنه ایران در بن‌بستی گرفتار شده که راهکارهای موثر و کارآمدی برای رهایی از آن ندارد.

فیلم‌هایی که حرفه‌ای اندیشیده نشده و حرفه‌ای ساخته نمی‌شوند. شاید در مقطعی بنا به شرایط بتوانند سودی نصیب سازندگان‌شان کنند ولی در درازمدت نمی‌توان این میزان غیرحرفه‌ای عمل کرد و به نتیجه رسید. سازندگان این نوارهای متحرک هم خیلی مقصر نیستند و این شرایط فیلمسازی است که موجب رقم خوردن چنین فیلم‌هایی می‌شود. تا این شرایط تغییر نکند، نمی‌توان به آتیه این سینما خوشبین بود.